

# سکوت؛ در انتظار...

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)  
مهناز ضیائی



زمستان ۱۴۰۲

# سکوت؛ در انتظار...

نویسنده: مهناز صیدی

شابک: ۶-۲۴-۲۹۱۹-۹۶۴-۹۷۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۵۰۷۷۴

شویب نشر: نهم

زمان نشر: زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰ جلد

ناشر چاپ: رضا هاشمی

قیمت: ۳۹۵,۰۰۰ تومان

## بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (مابیننده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشارات



دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیاپیش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۲۰ ۲۴ ۸۸ ۸۱ ۱۸ ۸۰ ۴۴ ۸۰ ۱۸ ۸۰

[www.shadan.ir](http://www.shadan.ir)

[info@shadan.ir](mailto:info@shadan.ir)



انتشارات شادان  
SHADAN.PUB

در اینستاگرام نیز همراهان باشید

عنوان: سکوت؛ در انتظار... پدیدآور: مهناز صیدی/

تهران: شادان، ۱۳۸۸ ۵۶۸ صفحه (ارمان ۱۱۱۴)

شابک: ISBN : 978-964-2919-24-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۱۴۱ رده‌بندی دیویی: ۸۶۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۵۰۷۷۴

## این افکار دست و پاگیر!

تمامی ما به خوبی از آنچه فرهنگ مردم یک بوم را می‌سازد آگاهیم و می‌دانیم سالها و قرن‌ها می‌گذرند تا مجموعه‌ای از آداب، رسوم، دانش و هنر هر ملتی تبدیل به فرهنگ شود.



همین جا سخن را از طولانی شدن درز می‌گیریم که بحثی تخصصی خواهد شد و فقط به این نکته بسنده می‌کنم که علیرغم احترام خاصی که هر کس برای فرهنگ خویش قائل است ولی گاهی می‌باید در مورد برخی از این افکار و عادات - به غیر از آنچه موارد اعتقادی نام دارند - تأمل نمود.

به همین اطراف خود نگاهی کنیم. گروهی از بیخ و بُن تمامی آنچه را که مجموعه فرهنگ ما را تشکیل داده‌اند کنار گذاشته و هیچ حلقهٔ اتصالی با آن باقی نگذاشته‌اند، اما گروهی دیگر بیش از آنچه باید، به برخی رسوم نامأنوس با زمانهٔ ما، همچنان چسبیده‌اند و متأسفانه به شکلی غیرقابل تغییر آن را نگاه می‌کنند.

گاهی در میان همین آدم‌هایی که ما می‌شناسیم (یا حتی خود ما) همین احساس مسئولیت‌های خارج از قاعده هم مشکل‌ساز می‌شود. مهر مادری، محبت خواهر و برادری و مواردی از این دست خوب و پسندیده هستند و قابل تحسین، اما این که برای همین محبت‌ها نیز می‌باید حد و اندازه قائل شد مسئله‌ای

قابل تأمل است.

آیا احساس مسئولیت در قبال اطرافیان می‌تواند همیشگی و همه‌جایی باشد؟ آیا می‌باید زندگی یکی برای دیگری نبود شود؟ در واقع آیا این موضوع که فلان کار را برای فرزندم، خواهرم، مادرم یا هر کس دیگری انجام می‌دهم و این کار را به بهای از دست دادن زندگی خود ادامه می‌دهم، صحیح و منطقی است؟

تا به حال شرح حال چند نفر را شنیده‌اید که به دلیل حمایت همیشگی از فرزند، خود را از یک زندگی تازه محروم کرده‌اند! یا به دلیل تنها نشدن پدر و مادر، فرزند را از تشکیل خانواده خودداری کرده است! شاید هم نمونه‌های بیشتری را هر یک از ما داشته باشیم. نمی‌خواهم در مورد درست یا غلط بودن این کار صحبت کنم ولی به نظر من، ارزش زندگی هر انسان به اندازه‌ای است که خداوند، زندگی او را برای زندگی تمامی انسان‌ها میداند.

داستان امروز هم از آن سوزنده‌هایی است که نگاه نویسنده، به آن جانی دوباره داده و خواننده را به دنبال خود خواهد کشاند. گاهی ساده‌ترین موضوعات دستمایه کار نویسنده‌ای صاحب سلیقه می‌شوند که خواننده را به دوباره نگاه کردن وادار می‌سازد: دوباره دیدن آن چه شاید خیلی ساده از کنارش گذشته و جدی نگاهش نکرده است.

این همان هنر و رسالت نویسنده است که اگر به انجام برساند، کار خود را کرده است، کاری کارستان! شاید با ایجاد تأمل بیشتر در خوانندگان، آن تأثیر لازم صورت پذیرد تا از قیدهای اضافی و گاهی غیرمنطقی خلاص شویم.

تا کتابی دیگر و تجربه‌ای نو

بهمن رحیمی  
آبان ماه ۸۹  
تهران

سپهر